

ANARCHY, STATE, AND UTOPIA

Robert Nozick



♦ نادر شهرپوری (مصدق)

رابرت نوزیک، نویسنده کتابی را که در سال ۱۹۷۴ انتشار داد «آنارشی، دولت، یوتوپیا» (Anarchy, state, and utopia) نامگذاری کرده و به راه سنی این عنوان، عنوان مناسبی بود.

از سوی دیگر، زمان چاپ این کتاب (۱۹۷۴) نیز حاضر اهمیت است. هر واقع این کتاب به عنوان پدیده‌ای در برابر کتابی موسوم به «ظرفه عدالت» (۱۹۷۱) اثر جان رالز منتشر شد و البته از آن زمان این کتاب در محافل راست‌گرایان هم پیش آمدند و به عنوان ۲ نظر متضاد در رابطه با نقش فرد و دولت مطرح شدند. اما با این همه، به نظر می‌رسد آنچه که در دیدگاه‌های نوزیک بدیع تر به نظر می‌آید دیدگاه هستی‌شناسانه‌ای است که نه جیت به وضعیت «فرد» در جامعه و اساساً جهان سیاست در دوران اخیر وجود دارد.

به عبارت دیگر، این کتاب بازبینی مجدد موقعیت «فرد» به تبعیت از دیدگاه کلتی در دوران معاصر است. متفکرانی همچون نوزیک اعتقاد دارند که قرارداد اجتماعی روسو، زمینه‌های رشد دولت و فراگیر شدن آن را فراهم آورده که نهایتاً انسان «محو فرد» و «فردیت» را ایجاد کرده است. از این رو، تحدید موقعیت فرد و دفاع از فرد در برابر تهاجمات دولت اهمیت پیدا می‌کند و این مسئله به عدالت نزدیک‌تر است. از این رو، در تقابل کامل با عدالت و «ظرفه عدالت» جان رالز قرار می‌گیرد.

در شرایطی که جان رالز از دولت می‌خواست که در دفاع از فقیران و به نفع آنان وارد کار شده و اقداماتی گسترده را انجام دهد، نوزیک با معکوس طرفدار سرمایه‌داری دولت‌ستیز و هر واقع، دولت حداقل «بده» و از «دولت حداقل» دفاع می‌کرد و آن را عین عدالت می‌دانست.

در واقع وی وظایف دولت را صرفاً حمایت پلیسی، اجرای قراردادها، دفاع ملی - و نه بیشتر - بر می‌شمرد. بنابراین از نظر نوزیک حمل و نقل عمومی، بهداشت همگانی، تعلیم و تربیت همگانی یا جامعه‌ها و پارک‌ها و هر آنچه که به توزیع دوباره «سود» از طرف دولت منجر شود «غیر عادلانه» است و موجب بسط، توسعه و رخنه‌های انگیزگی و «محو فردیت» شده و غیر عادلانه است. با این اوصاف فقط دولت حداقل می‌تواند آن هم تا حدودی ضامن امنیت «حقوق مطلق فردی» باشد و اینگونه است که جامعه به سمت آن عدالت نهایی که یوتوپیا نامگذاری می‌کند میل جبری پیدا می‌کند (مقصود از میل جبری به این معناست که مثلاً عدلی به سمت نقطه‌ای میل می‌کند و به آن خیلی نزدیک می‌شود ولی هیچ‌گاه به‌طور واقعی به آن نمی‌رسد و فقط فاصله دائمی

آنارشی، دولت، یوتوپیا رابرت نوزیک پنگوئن ۱۹۷۴

کم می‌شود). به همین ترتیب، از نظر نوزیک مفهوم دولت حداقل و فرد با مفهوم عدالت گره می‌خورد.

در این رابطه، نوزیک برای توجیه نظریه دولت حداقل خود به طور جدی این نظریه آنارشیستی را مهم تلقی می‌کند که دولت، بنابه ضرورت، حقوق فرد را تحت تألیف می‌کند و از این رو، دولت ذاتاً «غیر اخلاقی» است.

در همین رابطه است که نوزیک تصریح می‌کند که موضع آنارشیست‌ها را جدی می‌گیرد اما آن آنارشیسم مورد نظر وی با آنچه آنارشیسم فردگرایانه موسوم به آنارکو کاپیتالیسم است آنارکو کاپیتالیسم هم مانند جان لاک حق «طبیعی» را مسلم و مفروض می‌داند البته نه فقط برای دفاع از خود بلکه برای حمایت از خود با مجازات گرفتن آنها که حقوق را نقض کرده‌اند.

در واقع، اعتراض آنها علیه دولت آن است که دولت تلاش می‌کند حق مجازات را انحصاری یا دست کم تنظیم کند و با گرفتن مالیت از شهروندان خود مالکیت را از راه زور پایمال کند. به عقیده آنارکو کاپیتالیست‌ها حمایت از قرارداد و از مالکیت، اساس هر گونه اجتماعی به حساب می‌آید و این اصل، پایه واقعی و جدی نضج جامعه است. نقطه عزیمت و توجیه نوزیک برای بحث در این رابطه همان بررسی وضع طبیعی مورد نظر لاک و نقد آن است که آغاز می‌شود.

در واقع توجیه دولت حداقل با بررسی وضع طبیعی لاک شروع می‌شود. به بیان نوزیک قانون طبیعی فشارهای جنسی اخلاقی را برای حمایت از حقوق فردی تحمیل می‌کند اما از این قانون، همیشه اطاعت نمی‌شود. پس همه محققند که در برابر مجازات از خود دفاع کنند و اگر آسیبی دیده باشند حق دارند که تقاضای شرافت کرده و حتی متناسب با میزان تجاوز و تخلف آنها را مجازات کنند.

تا آنکه وی بر دولت حداقل به این صورت است که دولت حداقل را یوتوپایی ممکن تلقی می‌کند که هر فرد در درون آن بتواند رفاه‌های تحقق‌یافته «فردی» خود را محقق کند.

به همین دلیل است که عنوان کتاب نوزیک «آنارشی، دولت، یوتوپیا» کم و بیش عنوان با مسامحه است. چرا که در آنارشیسم فردگرایانه پایه عبارت دیگر جامعه‌انگیز شده، افراد به مثابه اتم‌های منفرد و مجزا در تقابل با تجاوزات دولت، حداقل از «دولت کوچکی» دفاع می‌کنند تا بتوانند ایندال‌ها و یوتوپیه‌های شخصی خود را در آن آرمان‌شهر تحصیل داده و در ذیل آموزه کلتی که «فرد غایت است» به منصف ظهور برسانند. نوزیک تصریح می‌کند که به یک اصل اخلاقی بنیادین وفادار است و آن «وجه سوری کلتی» است که مستور العمل آن این اصل کلتی است که «افراد فی‌نفسه هدف‌اند و نه ابزار».

بنابراین در اینجا نیز چیزی «مقدس» شمرده می‌شود و آن چیزی که مقدس شمرده می‌شود همانا «فرد» است و اساساً دولت نیز فلسفه تالیف‌شده آن است که در خدمت «فرد» باشد. به این ترتیب، آنارشیسم رادیکال این بار در اواخر قرن بیستم به صورتی دیگر و متفاوت و برخلاف آنارشیسم رادیکال اول قرن بیستم در قالب دفاع از «فرد» نفی هر گونه «تورپنه‌های» و در قالب دفاع از سرمایه‌داری گسخته و آزاد است که ظهور می‌یابد.

سرمایه‌داری آزاد و گسیخته به این معنا که «بازار بدون نظارت دولت» هر سه فعالیت بدون «تورپنه» بنگاه‌های خصوصی است. مالکیت خصوصی، پزشکی خصوصی، مدرسه خصوصی، بهداشت و رفاه خصوصی که چمگلی مجموعه‌ای از تئوری‌های اجتماعی و اقتصادی را در ذهن مجسم می‌کنند. با معکوس از نظر نوزیک مصداق «عدالت» و به عنوان پیامد «تجانب‌ناپذیر تحقق عدالت تلقی می‌شود اما به نظر می‌رسد که به‌سبب دیدگاه‌های آنارشیست‌ی نوزیک منجر به نتایج کم و بیش یوتوپایی نیز می‌شود.

وی در کتاب خود از «وضع طبیعی» آغاز می‌کند اما نه وضع طبیعی که لاک مطرح می‌کند. در واقع دیدگاه لاک را از بعدی دیگر در مورد وضع طبیعی مورد نقد قرار می‌دهد. لاک بر سوبه‌های منفی وضع طبیعی تأکید می‌کند و عدم تضمین صلح و تجاوز به حقوق افراد را از ویژگی‌های منفی و بد وضع طبیعی تلقی می‌کند و بر آن خارج شدن از وضع طبیعی را ایجاد دولت و جامعه مدنی می‌داند.

اما نوزیک اعتقاد دارد که راه حل بهتری از نظریه لاک

وجود دارد و آن «تشکیل انجمن‌ها و اجتماعات برای حمایت متقابل» است که در این رابطه هر فردی برای عضویت در این انجمن‌ها می‌تواند پولی بدهد و به ازای پولی که می‌دهد مورد حمایت آن مؤسسه قرار می‌گیرد. البته ممکن است که در این شرایط وضع به آنارشی کشیده شود (هر چند نوزیک از آن بیسی به دل راه نمی‌دهد) و وضع طبیعی مجدداً تجدید شده ولی اصل به تسلط یک انجمن بر انجمن‌های دیگر منجر می‌شود. منظور از تسلط آن است که انجمن مسلط، واجد اخصار کاربرد زور است تا حیطه فعالیت دیگر انجمن‌ها را محدود کند.

به این ترتیب، به طور طبیعی و خود به خود سلسله قوانین حقوقی و دادرس‌ی شکل می‌گیرد. در هر حال، کسی که نمی‌خواهد از خدمات انجمن مسلط استفاده کند نیازی ندارد که پولی بپردازد ولی دولت برآمده از این مناسبات تنها به کسی و کسانی سرور می‌دهد که پول پرداخت کرده باشند. در اینجا پول جای شرکت دولتیانه قرارداد را در انجمن‌های مورد نظر آنارشیست‌های اولیه می‌گیرد.

در واقع آنارشیست‌های اولیه، چه آنارشیست‌های فردگرا (مانند «بروون و یا گلدوین») چه آنارشیست‌های جمع‌گرا (مانند «کوتین») چنگلی جامعه آنارشیستی مورد نظرشان را بر اساس همکاری دولتیانه پیش‌بینی می‌کردند که عمل افراد در آن بدون ترس از تنبیه یا پاداشی صورت می‌گیرد و برخلاف نوزیک که انجمن مسلط بر کش افراد تأثیر ندارد که این مسئله ممکن است به آن دلیل باشد که آنارشیست‌ها انسان را ذاتاً پاک مرشد و انجمن‌های قلمداد می‌کردند.

اما آخرین بخش کتاب «آنارشی، دولت، یوتوپیا» اگر چه تحت عنوان «دولت یوتوپیا» نوشته شده است و مقصود از دولت یوتوپیا، همان دولت حداقل است ولی به نظر می‌رسد که نوزیک در نوشتن این فصل از کتاب خود به دور از اندیشه‌های خیلی تبوده است و البته خود نیز آن را انکار نمی‌کند.

نوزیک در این رابطه می‌نویسد که موضوع این آخرین فصل کتاب او «بهترین همه دنیاها می‌مکن است» اینک صفت عالی «بهترین دنیا می‌مکن» تا چه حد در جامعه ما به ازای عینی برای تحقق دارد، مسئله‌ای است که جای تردید دارد. ولی به هر حال، برای نوزیک این مسئله یعنی «دولت حداقل» الهام‌بخش او در توصیف آرزوهایش بوده است. اینک در همین فصل نوزیک می‌گوید «یوتوپیا از یوتوپیاها تشکیل خواهد شد» و این حکم که «هیچ کس نمی‌تواند تصویر یوتوپیه‌ای خاص خود را بر دیگران تحمیل کند» در واقع منتهی‌الیه تک‌ریم و ستایش از فرد است و از این نظر او به آموزه‌های آنارشی‌گری وفادار بوده است.

تمام این مسئله مهم که رش به دولت مدرن در واقع باعث نابودی فردیت و زوال «خود» (self) شده و به موازات آن خود دولت مدرن باعث شکل‌گیری نوعی فردیت «تفاوت» و «منفعل» در جهان سیاه است. نکته‌ای است که در واقع زمینه‌های اولیه تحقق «دولت حداقل» مورد نظر نوزیک را با مشکل روبرو می‌کند و اینک به تعبیر مایکل لسانف «چگونه دولت حداقل از دولتی که مالیت می‌گیرد تا یک حداقل اجتماعی پایه فراهم آورد چهارچوب بهتری برای یوتوپیه‌ای نوزیک است. شاید آزادی رسمی در دولت حداقل بیشتر بوده باشد اما توانایی زد تن، آن طور که کسی می‌خواهد، بناوع اجتماعی که کسی آرزو می‌کند در آن زندگی کند به هر حال به منابع اقتصادی وابسته است».

نوزیک علاوه بر کتاب «آنارشی، دولت و یوتوپیا» (۱۹۷۴)، کتاب‌های مهمی همچون «تئوری‌های فلسفی» (۱۹۸۱)، «زندگی مورد بررسی سرار گرفته» (۱۹۸۶)، «طبیعت فردگرای» (۱۹۹۵) و «مدام‌های سقراطی» از خود به جای گذاشته است اما همان‌طور که گفته شد تنها کتاب «آنارشی» دولت و یوتوپیا» وی به اثری به کلی قابل تأمل مطرح شده به طوری که به منابع درسی اجباری در تمامی دوره‌های آموزشی فلسفه سیاسی و علم سیاست تبدیل شده است.

اما رابرت نوزیک حداقل از یک فضیلت بزرگ نیز برخوردار بود و آن راستگویی وی بود (شاید معدودی از فلاسفه اهل سیاست وجود دارند که از نظر صداقت و راستگویی به پای نوزیک برسانند) و وی به خوانندگان خود توضیح می‌دهد که هر اندیشه‌ای تحقق عینی پیدا نمی‌کند و چه بسا در همان فضای اندیشه باقی خواهد ماند. وی همچنین با صداقت تمام در همان صفحات اولیه کتاب اظهار می‌دارد که «من متقدم در یک نوشته کمتر کامل، مطالب ناتمام، جنس‌ها و پرسش‌ها و مسائل بی‌جواب هم جای دارم».